

به آن نتیجه مطلوب مورد انتظار نرسید. پاسخ وی در نوشته‌ها و مصاحبه‌هایش بازتاب یافته و بر این تأکید دارد که ملت‌های عربی به خود مشغول شدند و در برابر یکدیگر قرار گرفتند: آن جنبشی که قرار بود به استقرار دولت‌های آزادی خواه و برآمده از دل ملت تبدیل شود به درگیری‌های مذهبی و فرقه‌ای منتهی شد. نتیجه این سردرگمی سیاسی ملت‌های عربی گویای یک خلا‌استراتژیک است که در سال‌های اخیر خاورمیانه را در بر گرفته است.<sup>۴</sup> دقیقاً همین خلا‌استراتژیک است که دغدغه‌خف در نگارش سیره نبوی است.

خف در بحرانی در سراسر جهان اسلام سخن می‌گوید که پیش از وی نیز متفکران و اندیشمندان مسلمان به انحاء مختلف از آن یاد کردند و آن بحرانی است که متأثر از مواجهه مسلمانان با مدرنیته بوده و در تمام ابعاد سیاسی، فکری، اجتماعی و فرهنگی، زندگی مسلمانان را تحت تأثیر قرار داده است. خف بر آن بعدی از بحران دست می‌گذارد که معطوف به مسائل استراتژیک و نظام بین‌الملل است. او به صراحت بیان می‌کند که: «مادر وضعیت سیاسی و استراتژیک کنونی، که در این کتاب بر آن تأکید کرده‌ایم، نیاز فراوانی به سیره داریم، زیرا در شرایط کنونی وضعیت پریشانی داریم، و شیوه‌های امروزی ما در مواجهه با امور عمومی، خواه سیاسی و استراتژیک و خواه اقتصادی، نیز متأسفانه اشکالات فراوانی دارد». بنابراین خف تحت تأثیر پیامدهای این بحران سیاسی و استراتژیک است که دست به قلم شده تا کتاب نخستین بهار را به نگارش درآورد. تحت تأثیر همین بحران است که مسلمانان کنونی نیازمند «نگاهی عمیق به کنش‌های سیاسی و استراتژیک» پیامبر اکرم هستند؛ چراکه «ساختار سیاست کنونی اختلافی بنیادی با سیاست در روزگار پیامبر و دوران خلافت اسلامی دارد».<sup>۵</sup>

پس تاکنون تا حدی روشن شده که خف نیز، همانند بسیاری دیگر از اندیشمندان و نویسندگان معاصر، تاریخ اسلام و سیره نبوی را با نگاهی کارکردی و معطوف به حل مسائل امروز و آینده جهان اسلام می‌خواند و می‌نویسد. او در کتاب خود بارها تأکید کرده که سیره نبوی و تاریخ اسلام را در برابر مسئله خود قرار دادیم تا ما را در «پی‌ریزی رهیافت سیاسی و استراتژیک تازه‌ای از وضعیت معاصر» یاری دهد.<sup>۶</sup> برای خف و نویسندگانی مانند وی، بازخوانی سیره نبوی برای این نیست که «در گذشته زیبا باقی بمانیم» یا «کنش‌ها و مواضع کنونی خود را مقدس بپنداریم»<sup>۷</sup>، بلکه این بازخوانی باید دردی از بحران‌های متعدد جهان اسلام، به ویژه بحران خلا‌استراتژیک خاورمیانه، درمان و راهکاری برای حل این بحران ارائه کند.

پرسشی که بلافاصله مطرح خواهد شد این است که آیا رویکرد خف مانند اسلام‌گرایان و بنیادگرایان معطوف به نوعی «بازگشت» به دوره سلف صالح است یا به عکس، همگام با رویکرد نومعتزلیان و تجددخواهان، حامی جدایی و جهه نبوت پیامبر از حکومت داری اوست؟ خف راه میانه برگزیده و معتقد است هیچ کدام از این دو روش پاسخ مناسبی به بحران‌های کنونی ما نخواهد بود، چراکه اساساً هویت امری سیال است و نباید آن را غیرقابل تغییر و ایستا بدانیم؛ بلکه هویت اسلامی نیز در گذر زمان دچار تکامل و تحول می‌شود و سخن گفتن از «بازگشت» به هویت اعصار پیشین نشان از عدم فهم تاریخت هویت و پویایی

تاریخی آن دارد. راه میانه خف آن است که نه از مدرنیته هراس داشته باشیم و نه آن را به طور کامل جایگزین سنت خود نماییم، بلکه بهترین و درست‌ترین راهکار این است که «منظومه معرفتی فرد با واقعیت‌های مدرن سازواری پیدا کند تا به دیدگاهی برسد که بتواند، دور از دوگانگی و روان‌پریشی، الگوی معرفت‌شناختی یکپارچه‌ای ارائه دهد».<sup>۸</sup>

آنچه خف را بیش از همه نگران کرده و همه سخنانش را تحت تأثیر قرار داده آینده جهان اسلام است، آینده‌ای که دیگر با طرد کامل یا پذیرش کامل مدرنیته رقم نخواهد خورد. به زعم خف، جهان در همه ابعاد خود در حال تغییرات عظیمی است که فرصت هرگونه مخالفت با این تغییرات را خواهد گرفت، تغییراتی که در چهره هوش مصنوعی، سلطه رسانه و انقلاب چهارم صنعتی و بسیاری پدیده‌های نوظهور بر ما نمایان شدند. خف طرد و نفی این پدیده‌ها را ممکن نمی‌داند و معتقد است ما مسلمانان، برای مشارکت در ساخت جهان نوین پیش رو، باید نظام شناختی و اخلاقی جدیدی طراحی کنیم تا بتوانیم سهمی از آینده پویای در حال تکوین داشته باشیم. به همین خاطر است که در نظام نوین بین‌المللی، که دیگر غرب در مرکزیت آن قرار نخواهد داشت، مواجهه ما با مقولات سیاسی و استراتژیک آن نیازمند نظام روشی و شناختی جدیدی است، چراکه آینده پدیده‌های تازه‌ای دارد. در این نقشه فرضی برای تطبیق با پویایی تغییرات جهانی، تاریخ نیز جایگاه مهمی خواهد داشت: «باید رابطه خود با تاریخ را بازسازی کنیم. آگاهی تاریخی امری دلنشین، سودمند و بایسته است اما اگر نقش آن را درک نکنیم یا بر این باور باشیم که می‌توانیم، با ماندن بر بستر تاریخ، در آینده زندگی کنیم امری خطرناک است. تاریخ به جهان گذشته‌ای وابسته است که نمی‌توان آن را برگرداند».<sup>۹</sup>

### پی‌نوشت

۱. سخنرانی خف در مجموعه تد (TED) مورخ مارچ ۲۰۱۱، [www.ted.com/talks/wadah\\_khanfar\\_a\\_historic\\_moment\\_in\\_the\\_arab\\_world](http://www.ted.com/talks/wadah_khanfar_a_historic_moment_in_the_arab_world)
۲. theguardian, Wadah Khanfar: 'Be patient with the Arab World', 15 Oct 2011, [www.theguardian.com/theguardian/2011/oct/15/wadah-khanfar-al-jazeera-arab-spring](http://www.theguardian.com/theguardian/2011/oct/15/wadah-khanfar-al-jazeera-arab-spring)
۳. Wadah Khanfar, Democracy is still the answer for Arab world, 10 February 2017, [research.sharqforum.org/2017/02/10/democracy-is-still-the-answer-for-arab-world/](http://research.sharqforum.org/2017/02/10/democracy-is-still-the-answer-for-arab-world/)
۴. Wadah Khanfar, Winds of change in the Middle East, 14 May 2015, [www.middleeasteye.net/](http://www.middleeasteye.net/)
۵. وضاح خف، نخستین بهار، ترجمه محمد رضا مروارید، تهران: هرمس، ۱۴۰۱، ص ۴۹۲.
۶. همان، ص ۴۸۸.
۷. همان.
۸. همان، ص ۴۹۳.
۹. همان، ص ۴۹۸.

آنچه خف را بیش از همه نگران کرده و همه سخنانش را تحت تأثیر قرار داده آینده جهان اسلام است، آینده‌ای که دیگر با طرد کامل یا پذیرش کامل مدرنیته رقم نخواهد خورد.